

جستاری در بایسته‌ها و آثار تجسس از نگاه قرآن و کتب اربعه

عبدالرحیم عبودی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۶

سیدحسن حسینی**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱۰

ابوالحسن مؤمن نژاد***

چکیده

جایگاه و آثار تجسس یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در مناسبات اجتماعی است چراکه حفظ امنیت و ثبات جامعه، جلوگیری از برهم خوردن نظم عمومی و دیگر مصلحت‌ها این امر را اجتناب ناپذیر می‌سازد. فقها به استناد آیه دوازدهم سوره حجرات و احادیث متعدد، تجسس را حرام می‌دانند. همچنین تفتیش عقاید و اسرار و خطاهای مؤمنان و نیز افشا و آشکار کردن آن‌ها، با استناد به آیات قرآن، از جمله آیه نوزدهم سوره نور، حرام است. این مقاله با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی در صدد یافتن پاسخ به این سؤال می‌باشد که بایسته‌ها و آثار تجسس در دیدگاه نویسندگان کتب اربعه چیست؟ داده‌ها حاکی از آن است که در این کتاب‌ها وظائف و بایسته‌هایی را برای مؤمن در خصوص تجسس مشخص نموده و با توجه به عموم آیات و روایات و حکم عقل و سیره، به طور مطلق حرام و ممنوع شمرده شده است.

کلیدواژگان: کتب اربعه، تجسس، حکم جاسوسی، استراق سمع.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

** گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

hoseyni1344@gmail.com

*** گروه معارف اسلامی، دانشگاه یاسوج، ایران.

نویسنده مسئول: سیدحسن حسینی

مقدمه

«واژه تجسس به معنای شناخت چیزی با دریافت نامحسوس و ظریف و جاسوس نیز از همین ریشه است، زیرا او هر خبری را که بخواهد به آرامی و بی سر و صدا به چنگ می‌آورد» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۱۴). برخی دیگر گفته‌اند «تجسس» جست‌وجوی عیوب است و «تجسس» گوش فرا دادن است. و نیز گفته شده هر دو به یک معنا به کار می‌روند (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۳۸). به معنای شناسایی و واریسی کردن (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۱۲۵) و تفحص و جاسوسی (جوهری، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۹۱۳) و در پی خبر به جست‌وجو پرداختن و نهان امور را کاویدن (شرتونی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۳) نیز آمده است.

در لسان فقها تعریف اصطلاحی خاصی برای تجسس و جاسوسی وجود ندارد که عدم تعریف ممکن است به خاطر بداهت آن باشد. برخی از فقها گفته‌اند: «در مورد مسأله تجسس در شریعت اسلامی تعریفی و معنای شرعی یا متشرعی خاص وجود ندارد» (مشگینی، ۱۳۸۶: ۱۲۸) منتها آنان به استناد آیات فوق و احادیث متعدد، تجسس و تفتیش عقاید و اسرار و خطاهای مؤمنان و نیز افشا کردن آن‌ها را حرام می‌دانند (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۳۹).

گفته‌اند: «تجسس بیش‌تر در کشف امور پنهانی استعمال می‌شود که انسان‌ها راضی به کشف آن نمی‌باشند. جاسوس کسی است که امور نهانی مردم را بداند و پنهانی‌های مردم بیش‌تر نقاط ضعف و رفتارهای ناپسند آن‌هاست که آشکارشدن هر یک از آن‌ها موجب کوچکی و پستی آنان می‌شود» (سبحانی، ۱۳۷۰: ۶۳۸).

طبرسی در تعریف تجسس، تفتیش اسرار و امور مخفی مؤمنان و در جست‌وجوی عیب‌ها و لغزش‌های مردم بودن را مطرح می‌کند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۱۳۷)، و علامه طباطبایی آن را تتبع و تفحص از امور مخفی و مستور مردم برای اطلاع یافتن از آن‌ها معرفی کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۲۳).

تجسس همانند دیگر صفات و ردیله‌های اخلاقی در سرشت پاک آدمی وجود ندارد و به خاطر عواملی که خود افراد به آن توجه ندارد در نهاد آدمی رشد می‌کند و ابتدا در زندگی خود فرد و بعد هم دیگران خللی وارد می‌کند (فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۴۱: ۱۴۷).

کتب اربعه شیعه درباره موضوع تجسس، روایات زیادی را مطرح کرده‌اند. بعضی از این روایات در مقام پرسش افراد از پیشوایان علیهم السلام می‌باشد. اکثر قریب به اتفاق این احادیث، صحیح و مسند می‌باشند و مورد عنایت فقهای عظام شیعه مانند صاحب «جواهر»، صاحب «وسائل الشیعة»، شهید ثانی و بسیاری از متأخرین قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در بررسی‌های انجام شده و جست‌وجو در سوابق تحقیقات دریافتیم که تا کنون به صورت تخصصی در زمینه، تجسس از نظر قرآن و کتب اربعه کار مستقلی انجام نگرفته است، البته به صورت متفرقه و پراکنده کارهایی در این زمینه انجام شده که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

آلانی، ناصر (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «تجسس در اسلام» به دلایل عقلی و نقلی حرمت تجسس پرداخته است.

حاجی آبادی، فاطمه (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی ثغور تجسس در سیاست کیفری اسلام بین مذاهب خمسسه با تأکید بر مسایل مستحدثه» را مورد واکاوی قرار داده است.

رحمانی خانقاهی، شیوا (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «حریم خصوصی فرد و عوامل نقض آن از دیدگاه قران و روایات» تعریفی از حریم خصوصی کرده و قلمرو آن را مشخص نموده است.

رزاقی هریکنده ئی، هادی و صادقی آهنگری، رقیه (۱۳۹۸) در مقاله «روش‌شناسی تربیت در جهت بازسازی از دخالت با تأکید بر آیه دوازده سوره حجرات، با توجه به آیه ۱۲ سوره حجرات عوامل بروز تجسس و دخالت همچون عدم تقوا، حسادت و عداوت را از منظر آیات مورد بررسی قرار داده‌اند.

موسوی نژاد، عبدالکریم (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «اطلاعات و تجسس از دیدگاه قرآن کریم و روایات» مبانی کسب اطلاعات امنیتی بر طبق ضوابط فقهی، قرآن و روایات را بررسی کرده است. همان طوری که ملاحظه می‌کنید، منابع معرفی شده هر یک به گوشه‌ای از مسائلی که به موضوع تجسس در قرآن و کتب اربعه مربوط می‌شود، اشاره

کرده است؛ و به طور مستقل و مستوفی به موضوع مقاله حاضر پرداخته‌اند، و این مسأله ضرورت پرداختن به موضوع پژوهش را دوچندان می‌نماید.

بایسته‌های تجسس در کتب اربعه

بخشی از آموزه‌های روایی در کتب اربعه ناظر به تشریح و تبیین بایسته‌ها و مسئولیت و وظیفه مؤمن در مورد تجسس است که به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. حمل بر صحت نمودن

جست‌وجو کننده سودایی جز تخریب دیگران ندارد. او عاجزی است که از موفقیت دیگران رنج می‌برد. این در حالی است که امام باقر(ع) تعبیر "یَجِبُ" را برای پوشاندن عیب برادر دینی به کار برده‌اند و فرموده‌اند: «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ كَبِيرَةً»: اگر انسان هفتاد گناه کبیره هم از برادر مؤمن خود مشاهده کرد واجب است که آن را بپوشاند(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۰۷). نه اینکه به زوایای زندگی او سرک بکشد و بخواهد عیوب او را بر ملا نماید.

حمل به صحت به معنای نهایت اعتماد و وثاقت به مسلمان داشتن است. به این معنا که اگر در موارد خاصی گواهی داد، قاضی باید به ظاهر گفتار او بسنده کند و نیازی به تجسس و تفحص نیست. امام صادق علیه السلام فرمود: «خَمْسَةٌ أَشْيَاءُ يَجِبُ عَلَى النَّاسِ أَنْ يَأْخُذُوا بِهَا ظَاهِرَ الْحُكْمِ: الْوَلَايَاتُ، وَالتَّنَاجُحُ، وَالْمَوَارِيثُ، وَالدَّبَائِحُ، وَالشَّهَادَاتُ، فَإِذَا كَانَ ظَاهِرُ ظَاهِرًا مَأْمُونًا جَازَتْ شَهَادَتُهُ، وَلَا يُسْأَلُ عَنْ بَاطِنِهِ»(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۴۳۱). پنج مورد است که مردم باید در آن‌ها به ظاهر حکم عمل کنند: ولایت و سرپرستی، زناشویی، ارث و میراث، ذبایح و شهادت دادن. اگر ظاهر فرد، درست و در خور اطمینان بود گواهی‌اش جایز است و نباید از باطن او پرس و جو کرد.

بنیان اجتماع بر اعتماد عمومی افراد قرار دارد. اگر افراد نسبت به هم مشکوک و مظنون باشند، جامعه فشل و ناتوان می‌گردد. از نظر روایات باید رفتار و گفتار افراد را حمل بر صحت کرد مگر ادله‌ای بر خلاف آن یافت شود

امام علی علیه السلام فرمود: «ضَعُ أَمْرَ أَحْيِكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ مِنْهُ مَا يَغْلِبُكَ، وَلَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحْيِكَ سُوءٌ وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا»

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۶۲): رفتار برادرت را به بهترین وجه آن تفسیر کن تا زمانی که کاری از او سر زند که راه توجیه را بر تو ببندد، و هیچ گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید، تا وقتی برای آن توجیه خوبی می‌یابی، گمان بد مبر.

تجسس اثرات نامطلوبی به جا خواهد گذاشت. بدگمانی و دخالت در امور دیگران را اشاعه داده و روابط گرم بین انسان‌ها را به سردی می‌کشد. بنابراین باید تا جایی که امکان دارد رفتار و کردار برادران و خواهران دینی را تفسیر به صواب کرد و به آن‌ها مشکوک و مظنون نشد و اعمال آنان را حمل به صحت نمود مگر اینکه خلافش ثابت شود.

بنابراین حمل به صحت کردن اعمال افراد به معنی ساده انگاری و ساده لوحی نیست و اگر در جامعه‌ای ناهنجاری‌ها بر هنجارها تفوق دارد، خوش بینی دیگر موضوعیت و محلی از اعراب ندارد.

۲. پرهیز از تجسس

در باب «المؤمن وعلاماته وصفاته» کتاب «اصول کافی» در روایتی نقل شده که همام که مرد عابد و زاهدی بود از امام علی (ع) خواش کرد که صفت مؤمن را برایش معرفی کند، گویا که آن‌ها را می‌بیند. امام در فرآزی از آن فرمود: «یا همام المؤمن هو... لا بجساس» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۲۹): مومن جست‌وجوگر در اعمال افراد نیست.

در کتاب «روضه کافی» گرچه واژه تجسس و جاسوس نیامده است ولی به مضمون آن و در عباراتی مانند احتراز از عیب‌جویی اشاره شده است. از جمله روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «یک کسی است با شما اظهار دوستی می‌کند، به سمت شما می‌آید و اظهار علاقه‌ای به شما می‌کند، دست رد به سینه او نزنید؛ با ذکر عیوبی که شما در او مشاهده می‌کنید. اگر کار خلافی دارد، گناهی دارد، عیبی دارد، لازم نیست او را به خاطر این عیب طرد کنید، رد کنید، متوقف کنید، یعنی جلوی او را بگیرید، این جزو اخلاق و رفتار پیغمبر و اولیایش نیست» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۸: ۱۵۰).

این قاعده‌ای کلی است که به اندک بهانه‌ای افرادی را طرد کردن و رد کردن و آن‌ها را از مرز دوستی خود خارج کردن؛ مخالف با آن چیزی است که در این حدیث به ما دستور داده شده است.

در هر صورت مؤمن که افق‌های بلند و متعالی را مطمح نظر دارد، هیچ وقت خود را با قذارات و کثافات تجسس آلوده و ملوث نمی‌کند بلکه با شناخت نقص‌ها و کاستی‌های خود به دنبال جبران مافات است.

۳. ترک مجلس عیب‌جویان

مؤمن نه تنها عیب‌جوی دیگران نیست بلکه با عیب‌جویان مرادده و ارتباطی ندارد و اگر در مجلسی سخن از عیب‌جویی کسی به میان آید، اگر نتواند تأثیری در جلوگیری داشته باشد حداقل خود را از دام شیطان نجات می‌دهد و از مجلس گناه و شیطانی بیرون می‌آید. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ مَجْلِسًا يُنْتَقَصُ فِيهِ إِمَامٌ أَوْ يُعَابُ فِيهِ مُؤْمِنٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۸۷). هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد در مجلسی که امامی را مذمت کنند یا مؤمنی را عیب کنند ننشیند.

کلینی در «کافی» از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: «با اهل بدعت مرادده نکنید که از آن‌ها حساب می‌شوید. مگر نشنیده‌اید که پیامبر اکرم (ص) هر شخصی بر اعتقاد دوستان و نزدیکانش رفتار می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۷۵) و در روایت دیگری در همین کتاب، حضرت فرمود: «سزایند نیست که مسلمان با فاجر، احمق و دروغگو مؤاخات و برادری نماید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۷۵).

۴. توجه به عیب خود

در کتاب «اصول کافی» باب مستقلی تحت عنوان «باب استحباب اشتغال الانسان بعیب نفسه عن عیب الناس» وجود دارد که روایات در این زمینه را آورده است. از جمله امام علی علیه السلام فرمود: «طوبی لمن منعه عیبه عن عیوب المؤمنین من اخوانه»: خوشا به حال کسی که عیب خودش، او را از پرداختن به عیب‌های مردم باز دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۶۸).

امام صادق علیه السلام: «أنفع الأشياء للمرء سبقه الناس إلى عیب نفسه»: سودمندترین چیزها برای آدمی، این است که در رسیدگی به عیب‌های خود بر مردم

پیشی گیرد (یا پیش از پرداختن به عیوب مردم به عیب‌های خود پردازد) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۴۳) ..

«این است که سالک الی الله در همه احوال باید مراقب و مواظب باشد تا از آنچه وظیفه اوست تخطی و تخلف نکند و سعی کند در رفتار و گفتارش خلاف رضای خدا از او صادر نشود» (فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴۰: ۴۲۱).

بنابراین انسان فرزانه و فرهیخته که حسرت شکفتن و رویدن و جوانه زدن دارد و به ارتقاء و استكمال معنوی فکر می‌کند، فرصتی برای عیب‌جویی از دیگران ندارد و اوقات خود را به ترمیم و تکمیل شخصیت خود صرف می‌نماید و از اینکه دیگران عیوب او را به او معرفی کنند، فرحناک و مبتهج می‌گردد.

۵. دارای خصلت‌های نیکو

تجسس عامل مؤثری در ایجاد بدبینی و از هم گسستن اخوت است و کسی که در پی لغزش‌های مؤمنان باشد، نمی‌تواند مسلمان واقعی باشد.

امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳): «به مردم سخن نیک گوید و جز خیر نگویید فرمود: «به مردم سخن نیک گوید و جز خیر نگویید تا بدانید حقیقت چیست. پس اگر یقین پیدا کردید که شخصی سزاوار خیر نیست نگویید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۲۳۹).

در هر صورت مسلمان باید خیرخواه و مشفق دیگران باشد و نه تنها به عیب‌جویی دیگران پردازد بلکه در انجام خدمت رسانی و تشریک مساعی اهتمام داشته باشد. چنانچه *مولی الموحدين علی علیه السلام* فرمود: «شیعیان ما کسانی‌اند که در راه ولایت ما بذل و بخشش می‌کنند، در راه دوستی ما به یکدیگر محبت می‌نمایند، در راه زنده نگه داشتن امر و مکتب ما به دیدار هم می‌روند. چون خشمیگین شوند، ظلم نمی‌کنند و چون راضی شوند، زیاده روی نمی‌کنند، برای همسایگان‌شان مایه برکت‌اند و نسبت به همنشینان خود در صلح و آرامش‌اند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۳۶).

در «بَابُ الْأَغْضَاءِ» باب چشم‌پوشی و گذشت، کتاب «کافی» آمده است که ثعلبه بن میمون از مردی که نامش را برده حدیث می‌کند که گفت: مردمی نزد حضرت صادق علیه السلام بودند و حضرت برای آن‌ها حدیث می‌کرد، در این میان مردی از آن‌ها نام

مردی را به بدی یاد کرد و گله او را به حضرت صادق علیه السلام نمود، حضرت به او فرمود: کجا برایت برادری تمام عیار به دست آید، و کدام مردی است که مهذب و پاک از همه عیوب باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ۴۶۸).

چون عموم مردم اینگونه هستند که خواه و ناخواه نقطه ضعفی در آنها هست، و آن کس که خالی از هرگونه عیبی باشد به طور عموم در میان مرد نیست، و در نتیجه کاوش به عیوب مردم آگاه شوی و آن کس که تو خواهی بدون عیب و نقص باشد پیدا نخواهی کرد، پس بهتر آنکه به همان حسن ظاهر اکتفا شود و در صدد جست‌وجو از باطن مردمان نباشی و گرنه ناچار بی رفیق خواهی ماند.

۶. امتناع از ستمکاری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «بر مؤمن حرام است که به مؤمنی دیگر ستم کند، یا او را وا گذارد، یا غیبت او را بکند و یا او را یکسره براند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ۲۳۵) و یکی از مصادیق بارز ستمکاری، تجسس در امور افراد و واکاوی عیوب و احياناً برملا کردن آن است. این در حالی است که مؤمن دیگران را به عنوان برادر خود دانسته و با او خیرخواهانه و مشفقانه برخورد می‌نماید.

آثار تجسس در کتب اربعه

در بررسی محتوای روایات مرتبط با تجسس در کتب اربعه به روایاتی بر می‌خوریم که آثاری را بر موضوع تجسس مطرح کرده‌اند و زوایای کم‌تر کاویده آن را تبیین نموده‌اند. شناخت این آثار باعث آشنایی بیش‌تر به مخاطرات و لطمات این عمل قبیح می‌گردد. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

۱. بی یار و یاور شدن

یکی از آثاری که برای تجسس‌کننده به وجود می‌آید این است که در همین دنیا بی یار و یاور می‌شود چون با این کار قبیح همه را از خود ناراحت می‌نماید. این است که در روایت آمده است: «لا تُفْتَشِ الناسَ عن أديانهم فتبقى بلا صديق»: تجسس از دین مردم

نکنید، چون بدون دوست و یاور می‌شوید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۷۱۷). متجسس عوض اینکه از قابلیت و توانمندی دیگران استفاده بهینه نماید با بدرفتاری عملاً پل‌های ارتباط با مردم را در پشت سر ویران می‌نماید.

۲. رسوایی زیاد

در برخی روایات در عین حالی که از تجسس در امور مردم نهی شده، فرد خاطی را تهدید به رسوایی کرده‌اند. کسی که قصد به حراج گذاشتن عرض و آبروی مردم را دارد، خداوند متعال رها نمی‌کند و او را به سزای عملش که بی‌آبرو کردن اوست معذب می‌نماید. کلینی در کتاب «اصول کافی»، باب «مَنْ طَلَبَ عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَوْرَاتِهِمْ» از امام جعفر صادق (ع) در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرموده‌اند: «يَا مَعْشَرَ مَنْ اسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُسَلِّمْ بِقَلْبِهِ لَا تَتَّبِعُوا عَثْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعُ عَثْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعُ اللَّهَ عَثْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعُ عَثْرَتَهُ يُفْضِحْهُ»: ای کسانی که با زبان، اسلام آورده، ولی ایمان در قلب‌های‌تان پابرجا نشده است! مسلمانان را مذمت نکنید و در پی عیوب و امور پنهانی‌شان نباشید، پس هر کس امور پنهانی مسلمانان را پیگیری کند و آشکار سازد، خداوند امور پنهان و زشتی‌های او را آشکار خواهد ساخت، و هر کسی که خداوند امور پنهانی او را آشکار سازد رسوایش می‌کند، هرچند کار زشت را در گوشه منزلش انجام داده باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۵۵).

ملا صالح مازندرانی در شرح این روایت می‌گوید: «پیامبر اکرم (ص) افرادی مسلمانی را که فقط اسلام زبانی دارند و ایمان خالصی نداشته و ایمان آن‌ها مستقر و پابرجا نیست نکوهش کرده است» (مازندرانی، بی تا، ج ۱: ۵).

۳. دوری از خدا

دل‌های جوانمردان و کمال‌مندان صندوقچه اسرار دیگران است و به هیچ وجه و به خاطر منافع خود آن‌ها را فاش نمی‌کنند و سوء استفاده نمی‌نمایند. در عوض انسان‌های فاقد کمال از بر ملا کردن رازهای نهایی افراد به دلالتی سوء استفاده می‌کنند. در برخی روایات چنین افرادی از درگاه الهی به غایت دور و برکنار هستند. در روایت دیگر، چنین فردی دورترین افراد از خداوند معرفی شده است. آنجا که صادق اهل بیت علیهم السلام

می‌فرماید: «ابعدُ ما یكونُ العبدُ منَ اللّٰهِ انْ یكونَ الرَّجُلُ یؤاخِی الرَّجُلَ وَهُوَ یحفظُ زَلّاتِهِ لِیَعیرَهُ بِهَا یوماً ما» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۵۵): دورترین بنده از خدا آن است که با مردی برادری کند و لغزش‌های او را نگه دارد تا روزی بر آن‌ها سرزنش نماید.

۴. نزدیکی به کفر

حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام فرمودند: «أقربُ ما یكونُ العبدُ إلی الکفرِ انْ یؤاخِی الرَّجُلَ عَلَی الدّینِ فِیُحْصِیَ عَلَیْهِ عَثْرَاتِهِ وَزَلّاتِهِ لِیَعَنَّفَهُ بِهَا یوماً ما» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۷): نزدیک‌ترین چیزی که بنده به کفر دارد این است که با مردی عقد برادری در دین بسته باشد و لغزش‌ها و خطاهای او را شماره کند که روزی او را به آن‌ها سرزنش نماید.

۵. رانده شدن به طرف شیطان

در برخی از مسائل پیرامونی تجسس که به نوعی به قبح پیگیری در کار مردم مربوط است. روایاتی دال بر مذمت داستان سرایی و اقدامات غیر اخلاقی بر علیه مؤمن سخن رفته است. عنوان این موضوع در کتاب‌های حدیثی «بابُ الرّوایةِ عَلَی الْمُؤْمِنِ» است برای نمونه، مفضل بن عمر گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: هر که بر ضرر مؤمن داستانی بگوید و قصدش عیب او و ریختن آبرویش باشد که از چشم مردم بیفتد خداوند او را از دوستی خود به دوستی شیطان براند و شیطان هم او را نپذیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۲).

۶. جنگیدن با پیامبر(ص)

از حضرت صادق علیه السلام حدیث شده که فرمود: «رسول خدا(ص) فرمود: خدای تعالی فرموده است: هر که به یک دوستی از من اهانت کند، به تحقیق به جنگ با من کمین کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۲).

در روایتی با همین مضمون، معلی بن خنیس گوید: «شنیدم از حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: خدای تبارک و تعالی فرماید: هر که به یک دوست من اهانت کند به

جنگ با من کمین کرده، و من به یاری دوستانم از هر چیز شتابان ترم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۳).

۷. بدنامی دیگران

در «تهذیب الأحكام» واژه تجسس نیامده است ولی در موضوعات پیرامونی آن شیخ طوسی از قول پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که «لا تَسْأَلُوا الْفَاجِرَةَ: مَنْ فَجَرَ بِكَ؟ فَمَا هَانَ عَلَيْهَا الْفُجُورُ، يَهُونُ عَلَيْهَا أَنْ تَرْمِيَ الْبَرِيءَ الْمُسْلِمَ»: از زن بدکاره نپرسید چه کسی با تو فسق کرد؟ زیرا همانگونه که به راحتی مرتکب فحشا می‌شود به راحتی هم مسلمان بی‌گناه را بدنام می‌کند (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰: ۴۸).

در همین کتاب این روایت از امام علی علیه السلام با مضمون دیگری وارد شده است که فرمود: «اگر از زن آلوده دامن بپرسی که چه کسی با تو فسق کرد و او بگوید فلانی، باید دو حد بر او جاری شود: یک حد برای ارتکاب فحشا و حدّ دیگر برای دروغ بستن به مرد مسلمان» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰: ۱۷۸).

۸. بزرگ‌ترین عیب

حضرت باقر(ع) فرمود: «همانا ثواب نیک رفتاری، زودتر از هر کار خیری رسد، و عقوبت ستم و تعدی به مردم زودتر از هر بدی آید، و همین عیب برای مرد بس است که از مردمان ببیند چیزی را که از (دیدن) آن چیز در خودش کور است، یا مردم را به کاری سرزنش کند که خودش نتواند آن را وا گذارد، یا همنشین خود را به چیزی که به کار او نخورد آزار دهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۰۰).

ظاهر این است که مقصود از آن چیزی که از دیدن آن در خود کور است، یا خودش استطاعت ترک آن را نداند اعم است از اینکه از جنس عیب دیگران باشد یا نباشد... و گفتار آن حضرت که فرمود: «یا همنشین خود را به چیزی که به کار او نخورد، بیازارد» یعنی چیزی که برای او مهم نیست و سودی ندارد چه برای خودش و چه برای همنشینش و ممکن است مقصود پر گفتن و بیهوده گفتن باشد، زیرا که آن همنشین خردمند را آزار دهد».

«ابو حمزه گوید: از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام شنیدم که می‌فرمود: رسول خدا(ص) فرموده: همین عیب برای مرد بس است که ببیند که از مردمان چیزی را که در خود نبیند، و همنشین خود را بیازارد به چیزی که به کار او نخورد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۰۰).

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «این عیب برای مرد بس است که از عیب‌های مردم چیزی را جست‌وجو کند(و در صدد فهمیدن آن بر آید) که از دیدن آن در خود نابینا است، یا چیزی را بر مردم عیب گیرد که در خود او هست، و نتواند از آن عیب بیرون آید و به حال دیگری در آید، یا همنشین خود را به چیزی که به کارش نخورد آزار دهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۰۱).

۹. خفت و خواری متجسس

در برخی از کتب اربعه تحت عنوان «بَابُ سَتْرِ الذُّنُوبِ» روایاتی دال بر پنهان کردن و مستور نمودن عیوب مردم ذکر شده است. از جمله، عباس غلام حضرت رضا علیه السلام گوید: «شنیدم آن حضرت علیه السلام می‌فرمود: پنهان کننده کار نیک(کردارش) برابر هفتاد حسنه است، و آشکار کننده کار بد مخذول است، و پنهان کننده کار بد آمرزیده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۱۶۰).

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هر که مؤمنی را خوار شمارد چه (آن مؤمن) مستمند باشد یا غیر مستمند، پیوسته خدای عز و جل او را خوار و دشمن دارد تا آنگاه که از خوار شمردن آن مؤمن برگردد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۲).

همچنین در بعضی از کتب اربعه تحت عنوان «بَابُ مَنْ يَعِيبُ النَّاسَ» باب کسی که مردم را عیب کند یا عیب مردمان گوید. از افرادی که عیوب مردم را جست‌وجو و نقل محافل و مجالس می‌نمایند به شدت مذمت شده است.

۱۰. اشاعه فحشا

فاش کردن و مطرح نمودن امور ناپسند و زشت دیگران بر اساس ادله احکام در فقه امامیه حرام است. فوائد چنین حکمی از جهات مختلف از جمله در زمینه حریم

خصوصی قابل بررسی است. در منابع اسلامی حرمت این عمل مورد تصریح قرار گرفته است.

در قرآن کریم اشاعه فحشا عملی تلقی گردیده که پیامد آن عذاب دردناک در دنیا و آخرت است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نور/۱۹)

«آن‌هایی که دوست دارند، کارهای زشت و منکر در میان اهل ایمان اشاعه پیدا کند، برای‌شان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی وجود دارد و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید»

لذا افشا و اشاعه گناهان اشخاص از منکرات است و حرام می‌باشد. چه بسا اشخاص غیر مقید و گناهکار که از افشای معاصی خود ابائی ندارند و حتی تمایل به نمایان کردن معاصی خود را نیز دارند. ولی فرهنگ عمومی و جامعه محل رضای خودخواهی و تمایلات غیر مشروع آنان نیست. بنابراین به نظر می‌رسد بتوان از این آیه تمامی اقسام و فروع اشاعه فحشا را استنباط نمود، و با وجود وعید وارد شده در آیه حکم تکلیفی تمام این موارد را حرمت دانست. در این خصوص روایات متعددی در منابع روایی وجود دارد که در زیر نمونه‌هایی از آن‌ها ذکر می‌گردد:

۱. امام صادق (علیه السلام): هر کس درباره مؤمنی آنچه را که دیده و یا شنیده بگوید، از زمره افرادی است که خداوند درباره آنان فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ﴾ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۵۹).

۲. امام صادق (علیه السلام): به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم): هر کس کار زشتی را آشکار کند، مانند انجام دهنده آن است و هر کس مؤمنی را به سبب چیزی سرزنش کند، نمی‌میرد تا اینکه خود وی نیز مرتکب آن امر شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۵۶).

۳. کلینی در کتاب «کافی» باب «ستر الذنوب» در روایتی از امام رضا (ع) آورده که «آن کس که گناه را نشر دهد ذلیل و طرد شده است و آن کس که گناه را پنهان می‌دارد مشمول آمرزش الهی است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۲۸).

بنابراین متجسس با کنجکاوی و تعقیب کردن و سعی در یافتن لغزش‌های افراد و معرفی و بر ملا کردن آن در حقیقت به تسری و تعمیم فواحش می‌پردازد و با این کار از قبح و زشتی این اعمال می‌کاهد به انسان‌ها برچسب گناه می‌زند.

حکم تجسس

فقها به استناد آیه دوازدهم سوره حجرات و احادیث متعدد، تجسس را حرام می‌دانند. همچنین تفتیش از عقاید و اسرار و خطاهای مؤمنان و نیز افشا و آشکار کردن آن‌ها، با استناد به آیات قرآن، از جمله آیه نوزدهم سوره نور، حرام است.

از نظر شرع انور انسان‌ها مجاز نیستند که شخصیت همدیگر را مخدوش نمایند. باید حرمت افراد محترم شمرده و به آن تعرضی صورت نگیرد. کسی حق ندارد به منطقه ممنوعه افراد سرک بکشد و تجسس نماید. جز مواردی که خود شرع به خاطر مصالحی و یا طرد مضاری مشخص نموده است. البته منع تجسس مربوط به مسلمین است یعنی هم مخاطب آن مؤمنین هستند و هم موضوع خطاب منع تجسس از امور مسلمین است. البته اگر ملازمه عقل و شرع را در نظر بگیریم و معتقد باشیم «کلما حکم به العقل حکم به الشرع و کلما حکم به الشرع حکم به العقل»، بنابراین آموزه‌های شرعی عقلی هم هستند. لذا حرمت و قبح تجسس به حکم عقل به نحو اطلاق در مورد تمام افراد بشر وجود دارد، مگر مواردی که به دلیل خاص خارج گردند.

در حرمت فاش کردن اسرار افراد، عبد الله بن سنان گوید: به آن حضرت عرض کردم: عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: آری، عرض کردم: مقصود شما دو عضو پائین تنه اوست؟ فرمود: آنچه که فهم تو بدان رفته است نیست همانا عورت مؤمن فاش کردن سِر اوست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۲).

شیخ طوسی در کتاب «تهذیب» و کتاب «استبصار» و صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» از عبدالله بن ابی یعفور نقل می‌کنند که می‌گوید به حضرت امام صادق(ع) عرض کردم عدالت یک شخص چگونه قابل تشخیص است تا شهادتش له و یا علیه افراد قابل پذیرش باشد؟ حضرت امام صادق(ع) در جواب شرائطی را مطرح کردند و فرمودند سپس راه اثبات این ویژگی‌ها را اینگونه تبیین می‌فرماید: «ان یكون ساتراً

لَجَمِيعِ غُيُوبِهِ حَتَّى يَحْرُمَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ تَفْتِيشُ مَاوَرَاءَ ذَلِكَ» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۴۱). راه اثبات پرهیز او از این گناهان این است که عیوب خود را مخفی دارد تا حدی که تفتیش و جست‌وجوی آن بر مسلمانان حرام باشد (و ستودن او به عدالت واجب گردد). پس بر مسلمانان بیش از این حرام است یعنی همین که او در انظار مسلمین این کار را انجام نمی‌دهد کافی می‌باشد؛ جست‌وجو برای اینکه آیا او در خفا مرتکب این امور هست یا نیست، حرام است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۴۱؛ طوسی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۲؛ صدوق، بی تا، ج ۳: ۳۸).

در «صحیحہ» ابن ابی یعفر نیز که به آن اشاره شد، حرمت تفتیش را مقید کرده به اینکه شخص، ساتر عیوب باشد ولی اگر اعمال خلاف را علناً انجام داد و آن‌ها را مخفی ننمود، تفتیش هم حرام نیست. بنابراین حرمت تفتیش مخصوص افرادی است که نسبت به اعمال خلاف شرع خود، ستر و عفاف داشته باشند و لذا تفتیش و تجسس در مورد اشخاصی که ساتر عیوب خویش نیستند، حرام نیست. البته با وجود ادله عقلی و بنای عقلای دال بر حرمت تجسس به نحو اطلاق محل تأمل است که بتوان مفهوم مخالف این حدیث شریف را مستند فتوا به عدم اطلاق ادله حرمت قرار داد. نظر به وجود این اطلاق حرمت در نگاه عقل و بنای عقلای عالم استکشاف چنین مطلبی - خروج این مصداق به نحو تخصصی و موضوعی - در غایت بعد است، البته مفهوم این روایت را می‌توان به عنوان مقید برای اطلاق ادله دانست و به عنوان دلیل خاص در این گونه موارد قائل به حرمت تجسس نبود.

شیخ طوسی در کتاب «استبصار» روایت پیش گفته عبدالله بن ابی یعفر از حضرت امام صادق (ع) را ذکر کرده است و تکرار روایت در کتاب «الاستبصار» که به نوعی گزیده «تهذیب الأحکام» است و فقط احادیث اختلافی و راه حل آن در آن وجود دارد، استبعادی ندارد.

با وجود سفارشات به احتیاط؛ در برخی موارد شارع مقدس اجازه داده که مکلفین خود را به سختی نیندازند. مواردی چون حمل بر صحت در افعال مسلمین مانند ذبح شرعی حیوانات و عدم وسواس در نجاست و پاکی از این قبیل‌اند. اگر مکلفین در همه موارد خود را ملزم به احتیاط و تحقیق بدانند، به حرج و سختی افتاده و نظم زندگی

آنان مختل می‌شود؛ در حالی که دین اسلام دین سختی نیست بلکه دین آسانی و وسعت است. در روایتی که در کتاب‌های «تهذیب» و «من لا یحضره الفقیه» و «وسائل الشیعة» و غیره نقل شده و بعضاً دستاویزی برای مخالفان شیعه گردیده آمده است: راوی به امام صادق عرض می‌کند: من با زنی ازدواج موقت کردم و سپس شک کردم که مبادا او شوهردار باشد پس تحقیق کردم و متوجه شدم که شوهردار است. امام صادق فرمودند: چرا تفحص زیادی کردی؟» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۲۵۳؛ صدوق، بی تا، ج ۲: ۱۴۹؛ نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۴: ۴۵۷).

مستشکل نتیجه گرفته که در مذهب شیعه جایز است مرد با زنی که شوهردار است، عقد موقت بخواند، چراکه در روایت آمده اگر مردی خواست با زنی ازدواج موقت کند، بهتر است به کلام او در مورد مجرد بودنش اعتماد کند و در این مسأله وسواس به خرج ندهد و تحقیق نکند. جواز ازدواج موقت با زن شوهردار نشان دهنده اوج خفت و خواری جایگاه زن در مذهب شیعه است. این نوع نتیجه‌گیری نشانگر عدم اطلاع نویسنده شبیه از احکام شریعت و بی‌انصافی وی می‌باشد.

روایات مورد بحث ارتباطی به جواز ازدواج با زن شوهردار نداشته و چنین ازدواجی در دین اسلام، حرام است. زن متأهل نمی‌تواند با دیگری ازدواج نماید چه دائم و چه موقت و اگر زن شوهردار با دیگری ارتباط جنسی داشته باشد علاوه بر آنکه حد شرعی زنای محصنه رجم (سنگسار کردن) است بر آن مرد حرام ابدی می‌شود یعنی اگر شوهر هم آن زن را طلاق دهد نمی‌تواند با مرد مذکور ازدواج نماید (خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۸۳).

در هر صورت، یکی از مواردی که اسلام احتیاط را لازم ندانسته، بحث تحقیق کردن مرد در مورد مجرد بودن زنی است که قصد ازدواج موقت با او را دارد. در این مورد هم مانند بسیاری موارد دیگر، اسلام مسیر ازدواج موقت را دشوار نکرده است و به کلام خود زن در این مسأله، اعتبار بخشیده است. ازدواج موقت از بهترین و ساده‌ترین راه‌ها برای فرار از گناه است و شرط و شروط و قیده‌های زیاد، با سادگی آن منافات خواهد داشت. راهی که به قصد سهولت مکلفین باز شده است، باید دارای شرایط ساده باشد. قانونی که برای تسهیل امور مردم وضع می‌شود، اگر دارای قوانین پیچیده و دشوار باشد، دیگر سهل و آسان نخواهد بود. قوانین ازدواج موقت نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

در کتاب «الاستبصار» و در کتاب «من لا یحضره الفقیه» واژه تجسس به صورت منطوقی نیامده است ولی به لحاظ مفهومی مطالبی گفته شده، و کلماتی دال بر همین موضوع است یافت می‌شود. شیخ صدوق در همین کتاب از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «اما حق همسایه پس بر تو واجب است که حافظ منافع او در غیابش و حافظ کرامت او در حضورش باشی؛ و در هر دو حال (حضور و غیاب) یار و مددگار او باشی برای یافتن عیب‌های او تجسس نکن و اگر ناخودآگاه و بدون قصد متوجه عیبی در او شدی؛ چون دژ محکم و پرده زخمی باش و عیب او را بپوشان طوری که هیچ کس به هیچ عنوان متوجه آن عیب از ناحیه تو نشود. در گرفتاری تنهاتش نگذار و اگر خداوند به او نعمتی عطا کرد حسد نوز؛ لغزش‌هایش را ببخش و از خطاهایش در گذر؛ اگر گاهی از روی نادانی حرکت نادرستی نسبت به تو انجام داد با حلم و بردباری برخورد کن و همیشه با او در صلح و صفا باش. مگذار دیگران او را بد گویند و بدی‌ها و عیب‌های او را اینجا و آنجا نقل نمایند؛ از خیانت به او ممانعت کن و اگر کسی حرف بدی یا سخن زشتی را به او نسبت داد باور نکن. با همسایه‌ات معاشرت نیکو و انسانی داشته باش و قوتی نیست مگر به خداوند متعال» (صدوق، بی تا، ج ۲: ۶۲۳).

تأکید امام روی تجسس نکردن عیوب و عیب‌پوشی او قابل تأمل است. بخشیدن لغزش‌ها و برخورد مشفقانه و دلسوزانه با خطای افراد حاکی از نگرش محبانه حضرت می‌باشد. این است سیمای واقعی اسلام رحمانی.

و باز در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام درباره حقوق معلم آمده است: «و حق آن کس که در علم تو راهبری نموده این است که او را بزرگ شماری و جایگاه نشستنش را نیک سامان دهی و خوب به سخنانش گوش فرا دهی و رو به او داشته باشی و صدایت را بلندتر از صدای او نکنی و به کسی که از او پرسش می‌کنی پاسخ نگویی تا خود او پاسخش را دهد، در مجلس درس او با کسی سخن نگویی و در نزد او غیبت هیچ کس را نکنی، اگر در نزد تو از بدی‌اش گویند از او دفاع کنی و عیب‌هایش را بپوشانی و فضیلت‌هایش را آشکار سازی و با دشمن او نشست و برخاست نداشته باشی و با دوستدار او دشمنی نکنی پس اگر چنین کنی فرشتگان الهی به نفع تو گواهی دهند که تو خواهان دانشی و علم را به خاطر خدا آموخته‌ای نه به خاطر مردم» (صدوق، بی تا،

ج ۲: ۶۲۰). دفاع جانانه از استاد به پاس زحمات و به رسم ادب توصیه / امام سجاد(ع) است. این استاد با همه دانایی و آگاهی امکان خطا و اشتباه در او محتمل است. بنابراین این لغزش‌ها و معایب را رصد کردن و مچ‌گیری نمودن با روحیه و فرهنگ قدرشناسی اسلام منافرت و بینونت دارد.

تجسس در زندگی شخصی و خانوادگی

مراد از امور شخصی، اموری است که به حوزه فردی و خانوادگی شخص مربوط می‌شود، نه حوزه اجتماعی یا سیاسی. «شخص» در اینجا در مقابل «اجتماع» است. در جوامع بشری و زندگی‌های اجتماعی گرچه هر فردی عضوی از جامعه است، ولی برای خود حوزه شخصی دارد که به مناسبات فردی او یا او و خانواده‌اش مربوط می‌شود و از اطلاع دیگران، یعنی غیر خود و اهل خانواده‌اش، از آن‌ها کراهت دارد.

شیخ طوسی در کتاب «امالی» از جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند: «مجالس حکم امانت را دارند مگر سه مجلس: مجلسی که در آن خون حرامی ریخته شود، مجلسی که در آن زنا صورت پذیرد و مجلسی که در آن مال حرامی به ناحق حلال شمرده شود» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۳).

امانات فقط منحصر به موضوعات مالی نیست بلکه اسرار زندگی و حریم خصوصی افراد هم جزء اسرار محسوب می‌شود که در نزد برادر دینی‌اش به امانت سپرده شده و نباید در آن خیانت کرد و بدون اذن و اجازه او بر ملا ساخت.

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَحْدُثَ بِحَدِيثٍ يَكْتُمُهُ صَاحِبُهُ»: «سخنانی که در مجالس گفته می‌شود امانت است و کسی حق ندارد سخنی را که صاحبش آن را از دیگران پوشیده داشته، افشا نماید» (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۶۰).

امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ غَسَلَ مَيْتًا فَأَدَّى فِيهِ أَمَانَةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، قِيلَ: وَكَيْفَ يُوَدَّى الْأَمَانَةُ؟ قَالَ: لَا يَخْبِرُ بِمَا يَرَى»: هر کس مرده‌ای را غسل دهد و امانت را درباره او رعایت نماید، خداوند گناهان او را می‌آمرزد. سؤال شد: چگونه درباره او امانت را رعایت کند؟ حضرت فرمود: آنچه را می‌بیند بازگو نکند (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۶۴).

معلوم می‌شود که قلمرو حفظ امانت بعد از مرگ هم ادامه دارد و مخصوص دنیا و دوران حیات افراد نیست. شیخ طوسی در کتاب «تهذیب» نقل می‌کند که از امام صادق (ع) سؤال کردند: «مردی، شخصی را به بازار می‌فرستد تا برای او پارچه‌ای بخرد، بعد که در بازار جست‌وجو می‌کند می‌بیند که او خود شبیه آن پارچه را دارد آیا جایز است که لباس خود را به خریدار بدهد و از بازار نخرد؟ حضرت فرمود: به چنین کاری نزدیک نشود و خود را به چنین خیانتی آلوده نکند. سپس حضرت آیه امانت را تلاوت کرد و فرمود: هر چند پارچه آن فرد بهتر از پارچه‌ای باشد که در بازار هست، حق ندارد از مال خودش بدهد» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۳۵۳).

تجسس در زندگی شخصی و خانوادگی افراد نیز مشمول این حکم است. از سوی دیگر، بر اساس برخی آیات، از جمله آیه ۱۸۹ سوره بقره و ۲۷ سوره نور، ورود مخفیانه و بدون اجازه به حریم خانه دیگری، ممنوع است و بر پایه آرای فقهی، هر کس می‌تواند به هر شکل ممکن با متجاوز به این حریم مقابله کند:

﴿وَلَيْسَ الْبِرَّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِنَ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (بقره / ۱۸۹)

«و نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه درآیید (چه این کاری ناشایسته است) ولی نیکویی آن است که پارسا باشید و به خانه‌ها (و به هر کار) از راه آن داخل شوید، و تقوا پیشه کنید، باشد که رستگار شوید»

غرضی عقلایی در نظر گرفته‌اند و آن این است که همه کسانی که با این خانه سر و کار دارند؛ از یک نقطه داخل و خارج شوند و این رسمی است پسندیده که مردم بر آن عادت دارند. هرگاه، شخصی، چه زن و چه مرد، در منزل خود باشد، منزل، مکان امن و پناهگاه اوست و کسی حق هیچ گونه دست اندازی به حقوق او را ندارد و کسی حق ندارد به جای امن و پناهگاه وی تجاوز کند.

اگر کسی از پشت بام، بالای درخت، یا روزه‌ای و... به داخل منزل کسی بنگرد و یا شنود و دوربین مخفی بگذارد، به حریم خانه دست انداخته و صاحب خانه، حق دارد با او برخورد کند و حتی چشمان او را نابینا سازد و یا به قتل برساند. در احادیث گوناگون وارد شده است.

شیخ طوسی در روایتی را از امام صادق(ع) در کتاب «تهذیب الأحکام» از قول ابابصیر نقل می‌کند که شخصی بر خانه فردی می‌نگریست، او را با تیر زدند و کشته شد. حضرت فرمود دیه‌ای بر او نیست(طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰: ۲۰۶).

کلینی در «کافی» در حدیث دیگری به همین مضمون می‌گوید: «هر آن که بر خانه گروهی بنگرد و از اسرار آنان آگاه شود و آنان به سوی وی تیراندازی کردند و نابینا شد و یا بر وی زخمی وارد کردند، دیه‌ای برایش نیست»(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۹۱).

در حدیث دیگری در کتاب «اصول کافی» و «من لا یحضره الفقیه» آمده است: «شخصی از سوراخ‌های حجره‌های رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به درون آن می‌نگریست. پیامبر اکرم(ص) با تیری که در دست داشت به سوی او آمد تا چشمانش را کور کند مرد فرار کرد. پیامبر(ص) فرمود: ای خبیث! سوگند به خدا اگر ایستاده بودی چشمانت را کور می‌کردم»(صدوق، بی تا، ج ۴: ۱۰۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۹۱). در «فروع کافی» هم روایتی بر همین مضمون وجود دارد(کلینی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۲۹۱) ولی اگر در خانه‌ای گشوده بود و زنی برهنه در برابر در نشسته بود و دیگران به او نگاه کردند، چشم‌های‌شان نابینا نمی‌شود و بیننده را تجاوزگر به حریم دیگران نمی‌دانند(گرچه تماشا کننده، کار حرامی انجام داشته است)؛ زیرا آن زن، با گشودن در، و نشستن روبه‌روی آن، خود، حریم خانه خود را شکسته است.

نتیجه بحث

موضوع تجسس از آفت و بلیه مهلکی است که به روابط فردی و اجتماعی آسیب جدی وارد می‌کند. معمولاً افرادی که کمالی ندارند از افراد کمال‌مند و موفقیت‌آنان ناخرسند هستند. این است که با کنکاش در زوایای زندگی آنان به دنبال نقاط ضعفی می‌گردند که با آن افراد را ترور شخصیت نمایند. پس تجسس تلاش مذبحانه یک انسان عاجز است. در قرآن و سنت به شدت با این چالش بزرگ انسانی برخورد شده است. در کتب اربعه که از منابع معتبر و موثق شیعه است. این موضوع انعکاس خاصی یافته گرچه واژه تجسس به ندرت یافت می‌شود ولی از موضوعاتی که ارتباط نزدیکی با آن دارد بحث شده است. روایات در کتب اربعه به چند دسته تقسیم می‌شود: برخی از آنان به آثار و تبعات سوء تجسس پرداخته‌اند و برخی به ویژگی‌های مؤمن اشاره کرده‌اند که از این

موضوع پرهیز و امتناع می‌ورزند. دسته دیگری هم به احکام در مورد تجسس پرداخته‌اند و آن را حرام و از گناهان نابخشودنی می‌دانند. نگاه رحمانی و محبانه‌ای که در محتوای روایات موج می‌زند افراد را به ترک این مسأله دعوت کرده‌اند و توصیه نمودند که لغزش‌ها و حتی گناهان افراد را نادیده انگاریم و مشکلات آن‌ها را بر ملا ننموده و به اشاعه فحشا کمک نکنیم. نکته پایانی آنکه از آنجایی که «ما من عام الا وقد خص» تجسس علی‌رغم اینکه عملی ناپسند و مذموم است در بعضی جاها از طرف شارع مقدس مجاز شمرده شده و برای مثال در مورد دشمنان و تحریکات آن‌ها این کار را روا داشته‌اند و تأکید دارند که باید نسبت به دشمن هوشیاری به خرج داد و با گماشتن افرادی اقدامات تخریبی آن‌ها را ناکام گذاشت.

کتابنامه

- قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشاهی.
- ابن بابویه القمی (شیخ صدوق)، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین. بی تا، **من لا یحضره الفقیه**، المحقق: علی اکبر الغفاری، قم: جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمية.
- ابن فارس، احمد. ١٤٠٤ق، **معجم مقاییس اللغة**، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ١٤١٦ق، **لسان العرب**، تصحیح امین محمد عبدالوهاب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آذرنوش، آذرتاش. ١٣٧٩ش، **فرهنگ معاصر عربی - فارسی بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور**، تهران: نشر نی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. ١٤١٢ق، **صحاح اللغة**، بیروت: دار العلم للملایین.
- خمینی، روح الله. ١٣٧٥ش، **تحریر الوسيلة**، ج ٢، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- دهخدا، علی اکبر. ١٣٨٤ش، **لغتنامه دهخدا**، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- سبحانی، جعفر. ١٣٧٠ش، **مبانی حکومت اسلامی**، قم: توحید.
- طباطبائی، سید محمد حسین. ١٣٧٤ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد بن حسن. ١٣٦٥ش، **تهذیب الأحکام**، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن. ١٤١٤ق، **الأمالی**، بی جا: دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن. ١٤١٦ق، **الإستبصار**، المحقق: السید حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- عمید، حسن. ١٣٧١ش، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. ١٤١٤ق، **القاموس المحيط**، ج ٢، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، احمد بن محمد. ١٤١٤ق، **المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی**، قم: دار الهجرة.
- قرطبی، محمد بن احمد. ١٤٠٥ق، **الجامع لأحکام القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ١٣٨٨ش، **فروع کافی**، ویرایش محمدحسین رحیمیان، قم: نشر قدس.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ١٤٠٧ق، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- المازندرانی، مولی محمد صالح. بی تا، **شرح کافی الجامع کتاب کافی الأصول والروضة لثقة الاسلام أبي جعفر محمد بن یعقوب الكلینی**، تهران: المکتبة الإسلامیة للنشر والتوزیع.

مشکینی، میرزا علی اکبر. ۱۳۷۶ش، **مصطلحات الفقه**، قم: الهادی.
منتظری، حسینعلی. ۱۴۰۹ق، **دراسات فی ولاية الفقيه وفقه الدولة الاسلامیة**، قم: دار الفکر.
نوری طبرسی، میرزا حسن. ۱۴۰۷ق، **مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت
علیهم السلام.

مقالات

رزاقی هرینکنده ئی، هادی و رقیه صادقی آهنگری. ۱۳۹۸ش، «**روش‌شناسی تربیت در جهت
بازداری از دخالت با تأکید بر آیه دوازده سوره حجرات**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد
اسلامی واحد جیرفت، سال یازدهم، ش ۴۱.
موسوی گیلانی، سید جعفر و سید مجتبی موسوی گیلانی. ۱۳۹۸ش، «**الگوی تهذیب نفس در قرآن
با تکیه بر تفسیر المیزان**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، سال دهم
ش ۴۰.

Bibliography

Ibn Babawayh al-Qummi (Sheikh Sadiq), Abu Jaafar Muhammad ibn Ali ibn al-Hossein, is not attended by a jurist, Investigator: Ali Akbar al-Ghafari, Qom: The group of teachers in the Howze Elmiyyeh
Ibn Faris, Ahmed. 1404 BC, Dictionary of Language Measures, Investigator: Abd al-Salam Muhammad Harun, Qom: Islamic Information Office.
Ibn Manzur, Muhammad bin Makram. 1416 B.C., Lisan Al-Arab, Edited by Amin Muhammad Abd al-Wahhab, Beirut: House of Revival of the Arab Heritage.
Jawhari, Ismail bin Hammad. 1412 BC, Sahih Al-Lughah, Beirut: House of Science for Millions.
Khomeini, Ruhollah. 1996, Tahrir al-Wasilah, Volume 2, Qom: Publications of the University of Teachers.
Tabatabai, Seyyed Muhammad Husayn. 1995, Al-Mizan in the Interpretation of Holy Quran, translated by Seyyed Muhammad Baqir Mousavi Hamdani, Qom: Modarres University.
Tousi, Muhammad bin Hassan. 1986 A.M., Tahdheeb al-Ahkam, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
Tousi, Muhammad bin Hassan. 1414 BC, Al-Ameli, House of Culture.
Tousi, Muhammad bin Hassan. 1416 BC, Insight, Investigator: Seyed Hassan Al-Moussawi, Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah.
Firouzabadi, Muhammad bin Yaqoub. 1414 BC, Al-Muheet Dictionary, Volume 2, Beirut: House of Revival of the Arab Heritage.

Fayoumi, Ahmed bin Mohammed. 1414 BC, The Lighting in Ghareeb Sharh Al-Kabeer by Al-Rafei, Qom: Dar Al-Hijrah.

Qortobi, Muhammad bin Ahmed. 1405 BC, The Collector of the provisions of Holy Quran, Beirut: House of Revival of the Arab Heritage.

Kelly, Muhammad bin Yaqoub. 2009, Kafi Branches, and Yarayesh Muhammad Husayn Rahimian, Qom: Quds Publishing.

Kelly, Muhammad bin Yaqoub. 1407 BC, Al-Kafi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Al-Mazandrani, Mawla Muhammad Salih, Sharh Al-Kafi Al-Jami`, Al-Kafi Al-Usul and Al-Rawdah for Thiqah Al-Islam Abi Ja'far Muhammad Ibn Ya'qub Al-Kulayni, Tehran: Islamic Library for Publishing and Distribution.

Mashgini, Mirza Ali Akbar. 1376, Terminology of Jurisprudence, Qom: Al-Hadi.

Montazeri, Hosseinali. 1409 BC, Studies in the Wilayat al-Faqih and Jurisprudence of the Islamic State, Qom: Dar al-Fikr.

Nouri Tabarsi, Mirza Hassan. 1407 B.C., Recovering the means and deducing the issues, Qom: Aal al-Bayt Foundation.

Dehkhoda, Ali Akbar. 2005, Dehkhoda Dictionary, under the supervision of Mohammad Moin and Jafar Shahidi, Tehran: University of Tehran.

Articles

Razzaqi Herikandeh, Hadi and Roghayeh Sadeghi Ahangari. 2019, "Methodology of training to prevent interference with emphasis on verse twelve of Surah Al-Hujurat", Quarterly Journal of Quranic Studies, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Year 11, No.41.

Mousavi Gilani, Seyed Jafar and Seyed Mojtaba Mousavi Gilani. 2019, "The model of self-purification in Holy Quran based on the interpretation of Al-Mizan", Quarterly Journal of Quranic Studies, Islamic Azad University, Jiroft Branch, 10th year. No. 40.

**A Research on Essentials and Effects of Surveillance from Holy Quran
and The Four Books' Perspectives**

Receiving Date: 6 March,2020

Acceptance Date: 30 June,2020

Abdolrahim Oboodi: PhD Candidate, Jurisprudence and Islamic Law, Islamic Azad University, Ramhormoz Branch

Seyyed Hassan Hosseini: Faculty of Jurisprudence and Islamic Law, Islamic Azad University, Ramhormoz Branch

hoseyni1344@gmail.com

Abolhassan Mo'men Nezhad: Faculty of Islamic Education, Yasouj University

Corresponding Author: Seyyed Hassan Hosseini

Abstract

The status and effects of surveillance is one of the most important and influential issues in social relations because maintaining the security and stability of society, preventing the disruption of public order and other interests make it inevitable. The jurists, based on the twelfth verse of Al-Hujurat Surah and various hadiths, forbid surveillance. It is also forbidden to inspect the beliefs, secrets and mistakes of the believers, as well as to reveal and disclose them, based on the verses of Holy Quran, including the nineteenth verse of Noor Surah. This article uses documentary and library sources and descriptive – analytical method to find the answer to the question: what are the requirements and effects of surveillance in the view of the authors of The Four Books? The data indicate that in the mentioned books, the duties and requirements for the believer regarding surveillance have been specified and according to the generality of verses and hadiths and the rule of reason and manners, it has been absolutely forbidden and prohibited.

Keywords: The Four Books, surveillance, spying verdict, eavesdropping.